

شماره هـ/۸۰/۱۲۰

۱۳۸۱/۱۱/۲

شماره دادنامه: ۳۶۶

تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۵

کلاسه پرونده: ۱۲۰/۸۰

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: شهرداری خمینی شهر

موضوع شکایت وخواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب اول و ۳ و ۸ و ۱۲ و ۱۶ دیوان عدالت اداری

مقدمه: الف - شعبه اول در رسیدگی به پرونده کلاسه ۵۹۶/۷۷ موضوع شکایت آقای علی نصر اصفهانی به طرفیت شهرداری خمینی شهر به خواسته لغو و ابطال اجراییه شهرداری خمینی شهر و رأی مورخ ۱۳۷۷/۴/۱۴ کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری به شرح دادنامه شماره ۲۵۰۳ مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۱۰ چنین رأی صادر نموده است. ... رأی کمیسیون مستند به هیچ اصل و یا مجوزی از مقررات جاریه نمی باشد و ... به اینکه علی الفرض اینکه اظهار نظر نماینده ولی فقیه و سایر مجوزات صادره در سال ۱۳۶۶ را ملاک قرار دهیم و اصل را بر این بگذاریم که هنوز به قوت خودشان باقی می باشند از آنجایی که اذنه‌های مزبور مشروط به نداشتن اثر توری محسوس است و یا بعضاً مسئولیت شرعی و قانونی را نپذیرفته اند و مرجعی نیز برای تحصیل و تحقق شرط تعیین شده (اثر توری) در مجموع شکایت شاکی وارد تشخیص و ضمن نقض رأی معترض عنه و ابطال جوانب متفرع بر آن رأی به ورود شکایت صادر می گردد. ب - شعبه دوازدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۸۵۰/۷۷ موضوع شکایت آقای حکمت اله حسینی به طرفیت کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری خمینی شهر به خواسته ابطال رأی قطعی مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۷ کمیسیون مذکور به شرح دادنامه های شماره ۱۴۳۵ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۷ چنین رأی صادر نموده است، با توجه به طرح عوارض پیشنهادی شهرداری های اصفهان و تأیید ریاست دیوان عالی کشور به عنوان نماینده ولایت فقیه نسبت به عوارض و جدول تعرفه پیوست و ابلاغ آن توسط استانداری اصفهان به شهرداری های استان و باتوجه به تعرفه پیوست بر تعلق عوارض هفت درصد بر تولید تیرچه بلوک ایرادی بر رأی کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری خمینی شهر به شرح صورتجلسه ۱۳۷۷/۳/۱۷ به نظر نمی رسد. ج - شعبه ۱۶ دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۵۱۳/۷۶ موضوع شکایت آقای حسین مازندرانیان به طرفیت شهرداری آران و بیدگل به خواسته ابطال رأی مورخ ۱۳۷۶/۷/۲۸ کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری ها به شرح دادنامه شماره ۴۰۵ مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۹ چنین رأی

صادر نموده است، به موجب رأی شماره ۱۳۲ مورخ ۱۳۶۹/۵/۴ هیأت عمومی دیوان عوارض مورد مطالبه به استناد بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیل شورای اسلامی و یا تنفیذ نماینده ولی فقیه مطالبه می گردد، خلاف قانون شناخته نشده است، علیهذا تخلفی از مقررات به نظر نمی رسد و حکم به رد شکایت صادر می گردد. د - شعبه سوم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۸۱۴/۷۸ موضوع شکایت آقای محمدتقی شگری نژاد به طرفیت شهرداری خمینی شهر به خواسته ابطال رأی مورخه ۱۳۷۸/۵/۱۰ کمیسیون ماده ۷۷ به شرح دادنامه شماره ۱۵۸۲ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۷ به لحاظ اینکه ایرادی که موجبات مخدوش بودن رأی معترض عنه گردد اقامه نشده حکم به رد شکایت صادر نموده است. ه - شعبه هشتم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۶۶۰/۷۷ موضوع شکایت آقای حمید طوقانی به طرفیت شهرداری خمینی شهر به خواسته اعتراض به مطالبه ۷٪ عوارض فروش به شرح دادنامه شماره ۸۶ مورخ ۱۳۷۹/۲/۵ با توجه به تعرفه مصوب وزارت کشور و تعیین ۷٪ عوارض فروش تیرچه بلوک سیمانی تخلفی از مقررات تشخیص نداده و حکم به رد شکایت صادر نموده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رای می نماید.

رأی هیأت عمومی: نظر به اینکه عوارض کارگاه های تولیدی تیرچه بلوک سیمانی براساس بند الف ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری مصوب ۱۳۶۱ و با رعایت شرایط و ضوابط مقرر در ماده مذکور تعیین و پیشنهاد شده و مورد موافقت مقام ذیصلاح قرار گرفته است و عنایت به دادنامه شماره ۱۳۲ مورخ ۱۳۶۹/۵/۴ هیأت عمومی دیوان مبنی بر اعتبار تعرفه و مصوبه عوارض فوق الذکر، دادنامه های شماره ۱۴۳۵ مورخ ۷۸/۱۱/۲۷ شعبه دوازدهم و ۴۰۵ مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۹ شعبه شانزدهم و ۱۵۸۲ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۷ شعبه سوم و ۸۶ مورخ ۱۳۷۹/۲/۵ شعبه هشتم دیوان در حدی که متضمن این معنی می باشد صحیح و موافق اصول و موازین قانونی است. این رای به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۷۸/۲/۱ برای شعب دیوان و سایر مراجع ذیربط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف آبادی

شماره هـ/۸۱/۳۶۴ ۱۳۸۲/۳/۷ شماره دادنامه: ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴

تاریخ ۱۳۸۲/۷/۱۳ کلاسه پرونده: ۳۶۴/۸۱، ۳۸۷، ۴۲۳، ۵۲۴/۸۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: شرکت زمزم اصفهان - شرکت زمزم شرق تهران

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه های شماره ۱۳۸۱/۳/۴۸۴۳ مورخ ۱۳۶۶/۴/۲۱ و شماره

۱۰۷۴۱/۱/۳/۳۴ مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۰ وزارت کشور

مقدمه: شکات طی دادخواست های تقدیمی اعلام داشته اند، متأسفانه وزارت کشور و شهرداری اصفهان خارج از حدود اختیارات قانونی و بدون تحقق شرایط قانونی در خرداد ۱۳۶۶ مبادرت به تصویب تعرفه عوارض نموده اند که به موجب بند الف ردیف ۳۸۹ تعرفه، شرکت های تولیدی نوشابه های غیر الکلی محکوم به پرداخت ۵٪ از فروش محصولات تولیدی خود شده اند.

لذا به استناد موارد ذیل الذکر ابطال بخشنامه های مورد شکایت را دارد، ۱- به موجب بند ۱ ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور مصوب ۱۳۶۱ تعیین عوارض بایستی متناسب با امکانات اقتصادی محل و خدمات ارائه شده با رعایت شرایط و ضوابط مربوط و تنفیذ مقام ولایت امر به شورای اسلامی شهر محول شده لذا با توجه به ماده فوق وزارت کشور بدون در نظر گرفتن امکانات اقتصادی محل و شرایط و ضوابط مربوطه تنها به استناد مصوبات فوق متقاضی عوارض ۵٪ شده اند. ۲- با توجه به بند الف ماده ۴۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۶۹ در صورت عدم تکافوی عوارض وصولی وضع عوارض جدید و افزایش عوارض موجود تنها به پیشنهاد وزیر کشور و تصویب ریاست جمهوری می باشد. لذا نظر به مراتب اعلامی و صراحت ماده، وضع عوارض ۵٪ بدون تحقق و اجتماع شرایط مربوط و عدم رعایت تشریفات قانونی یعنی بدون پیشنهاد وزیر کشور و تصویب ریاست جمهوری مغایر با نظر قانونگذار می باشد، لذا مصوبات مورد شکایت بر خلاف قانون تصویب شده است. ۳- با توجه به دادنامه شماره ۱۱۰ مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۶ در پرونده کلاسه ۲۱۱/۷۹ درخصوص ابطال بخشنامه های فوق و من غیر حق بودن وضع عوارض جدید ۵ درصدی ۴- مصوبات مورد شکایت خارج از حدود اختیارات قانونی صادر شده است. لذا با توجه

به ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال مصوبات مورد شکایت را دارد. مدیر کل دفتر امور حقوقی وزارت کشور در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۲۶۷۳۰/۶۱ مورخ ۱۳۸۲/۴/۹ اعلام داشته اند.

۱- به استناد تصویب نامه شماره ۳۸ مورخ ۱۳۶۱/۱/۲۳ قائم مقام وزیر کشور به قائم مقامی انجمن شهر که در اجرای بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کلیه مراحل قانونی آن از تصویب یا تنفیذ طی گردیده، کلیه شرکتهای تولید کننده نوشابه های غیرالکلی و ماءالشعیر از ابتدای سال ۱۳۶۱ ملزم به پرداخت عوارض به میزان ۵٪ بهای فروش عمده بر مبنای تولید خالص گردیده اند.

۲- در بند الف ماده ۴۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت هیچگونه قیدی در خصوص اجازه تقلیل، کاهش و یا لغو و بلا اثر گردیدن عوارض تصویب شده قبلی عنوان نگردیده، بلکه فقط وضع عوارض جدید و یا افزایش عوارض موجود پیش بینی شده است هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجه الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت بصدور رأی مینماید.

رأی هیأت عمومی: الف - اعتراض نسبت به مصوبه شماره ۱۰۷۴۱/۱/۳/۳۴ مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۰

وزارت کشور در مورد تعیین قلمرو اعتبار مصوبات مقدمات ذیصلاح در اجرای بند الف ماده ۴۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین و همچنین تأیید اعتبار اجرایی عوارض کارخانجات نوشابه سازی به میزان بیش از ۱٪ قبلاً مورد رسیدگی قرار گرفته و بشرح دادنامه شماره ۱۱۰ مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی مربوط تشخیص داده شده و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال گردیده است. بنابراین موردی برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم مجدد نسبت به همان مصوبه وجود ندارد و شکایت شاکی در این باب مشمول مدلول دادنامه فوق الذکر است. ب - بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری مصوب ۱۳۶۱ مصرح در جواز تعیین و وصول عوارض بمنظور تأمین هزینه های هر شهر در صورت عدم تکافوی منابع مالی و درآمدهای

آن شهر با رعایت ضوابط و تشریفات قانونی خاص است و سیاق عبارات ماده مزبور ظهور در تعیین عوارض جدید و یا افزایش عوارض موجود بمنظور هزینه آن در قلمرو جغرافیایی هر شهر دارد. نظر به وسعت بازار مصرف داخلی و خارجی نوشابه غیرالکلی و اینکه افزایش عوارض آن محدود به قلمرو جغرافیایی شهر خاصی نیست و مورد متضمن تأمین هدف مقنن بشرح مقرر در بند یک ماده ۳۵ قانون فوق الذکر نمی باشد، لذا بخشنامه شماره ۱/۳/۳۴/۴۸۴۳ مورخ ۱۳۶۶/۳/۲۱ و وزیر کشور که عوارض فروش نوشابه غیرالکلی ساخت اصفهان را به میزان ۵٪ افزایش داده است مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده میشود و به استناد قسمت دوم ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال میگردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - دری نجف آبادی

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکي: سازمان بازرسی کل کشور .

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۱۰۰/۳۳/۷۹۵۹۱ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۷ وزیر نیرو
مقدمه: معاون امور اقتصادی وزیربنایی سازمان بازرسی کل کشور طی نامه شماره ۴/۷۸۷۴ مورخ ۱۳۸۲/۳/۲۸ اعلام داشته اند، به پیوست گزارش بازرسی درخصوص فرآیند افزایش آب بهاء وفاضلاب بهاء ارسال میگردد. از آنجا که وزیر نیرو بدون رعایت سازوکار پیش بینی شده در بند (ج) ماده ۱۳۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی مبادرت به صدور بخشنامه شماره ۱۰۰/۳۳/۷۹۵۹۱ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۷ کرده و به موجب آن بهای تعرفه های آب وفاضلاب ۱۵٪ افزایش یافته است بخشنامه صادره قابل ابطال میباشد. لذا خواهشمند است دستور فرمائید موضوع در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مطرح ونسبت به ابطال بخشنامه مارالذکر اقدام نمایند درگزارش پیوست نامه مذکور آمده است وفق بند (ج) ماده ۱۳۳ از فصل هجدهم قانون برنامه سوم توسعه که مقرر می دارد « تعرفه های آب بهاء حق انشعاب وهزینه دفع فاضلاب درچارچوب ضوابط وسقف مصوب شورای اقتصاد وبا پیشنهاد شرکت آب وفاضلاب وتصویب شورای اسلامی شهر تعیین میگردد. شهرهای جدید فاقد شورای اسلامی شهر مشمول تعرفه مصوب نزدیکترین شهر مجاور هستند» وزارت نیرو مکلف به تعیین نرخ خدمات آب وفاضلاب بشرح مذکور شده است. چون این امر در وزارت نیرو مشکلاتی را ایجاد مینمود، بنابراین وزیر نیرو طی بخشنامه شماره ۱۰۰/۳۳/۷۹۵۹۱ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۷ دستور افزایش علی الحساب ۱۵درصدی آب بهاء و۱۰درصدی حق انشعاب صادر نمودند.

باتوجه به اینکه افزایش نرخ تعرفه بیش ازحد تعیین شده علیرغم تأکید ریاست جمهوری برعدم افزایش قیمت مگر برحسب ضرورت مخالف صریح بندج ماده ۱۳۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی وقابل ابطال دردیوان عدالت اداری است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درتاریخ فوق به ریاست حجه الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی وباحضور رؤسای شعب بدوی ورؤسا ومستشاران شعب تجدید نظر تشکیل وپس ازاستماع توضیحات نمایندگان سازمان بازرسی کل کشور و وزیر نیرو وبحث وبررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت بصدور رأی مینماید.

رأی هیأت عمومی: بصراحت بند ج ماده ۱۳۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعیین تعرفه آب بهاء حق انشعاب و هزینه دفع فاضلاب در چهارچوب ضوابط و سقف مصوب شورای اقتصادی به پیشنهاد شرکت آب و فاضلاب و تصویب شورای اسلامی شهر محول شده است. بنابراین بخشنامه شماره ۱۰۰/۳۳/۷۹۵۹۱ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۷ وزیر نیرو در خصوص تعیین نرخ آب بهاء کارمز دفع فاضلاب، حق انشعاب و آبونمان آب و فاضلاب در سال ۱۳۸۲ بطور علی الحساب مغایر نظر و حکم صریح مقنن در تعیین مراجع ذیصلاح برای تعیین نرخ تعرفه کالا و خدمات فوق الذکر و خارج از حدود اختیارات مقام مذکور تشخیص داده میشود و بخشنامه مورد اعتراض مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال میگردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - دری نجف آبادی

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای عباس منصور آبادی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۳ و ۱۲ و ۱۷ دیوان عدالت اداری
مقدمه: الف - شعبه دوازدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۷۶۸/۷۸ موضوع شکایت آقای محمد وزیران بطرفیت شهرداری شیراز بخواسته ابطال رأی مورخ ۱۳۷۸/۸/۲۲ کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری شیراز در رابطه با قرارداد مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۸ صادر و شاکی را مکلف به پرداخت عوارض کرده درحالیکه دستگاه اجرایی مکلف بوده که از محل اعتبار طرح عوارض مذکور رابرداشت و بحساب شهرداری واریز کند لذا رأی مذکور مطابق با بخشنامه های استنادی شاکی نبوده و لغو میگردد. تا مجدداً در کمیسیون همعرض مورد رسیدگی مجدد قرارگیرد. ب - شعبه هفدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۳۸۳/۷۷ موضوع شکایت آقای فرهاد گنجی بطرفیت شهرداری شیراز بخواسته ابطال رأی مورخ ۱۳۷۶/۱۲/۲۶ کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداریها بشرح دادنامه شماره ۲۴۷ مورخ ۱۳۷۹/۳/۱ چنین رأی صادر نموده است، اولاً تعرفه مربوطه تأیید نشده است. ثانیاً تعرفه مورد استناد که بوسیله نماینده معرفی شده تسلیم شعبه گردید به تعرفه تصویبی انطباق ندارد. ثالثاً مبلغ پیمان پیمانکاران طرحهای عمرانی به شهرداری محل اجرای قرارداد پرداخت گردد. لذا تعیین عوارض یک درصد برای طرح مذکور و صدور رأی مورد شکایت برآن مبنا صحیح نبوده است. برخلاف ضوابط و مقررات مربوطه عمل شده است لذا حکم به ورود شکایت و نقض رأی مذکور صادر و اعلام میگردد. شعبه سوم در رسیدگی به پرونده کلاس ۵۱۳/۷۹ موضوع شکایت آقای عبدالخالق اردکانی بطرفیت شهرداری شیراز بخواسته اعتراض به رأی مورخ ۱۳۷۹/۳/۱۸ بشرح دادنامه شماره ۱۴۵۱ مورخ ۱۳۷۹/۸/۳ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه دربند ۳۹۵ تعرفه عوارض تنفیذی ولی فقیه که به استناد بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراها به تنفیذ ولی فقیه رسیده است، یک درصد مبلغ پیمان پیمانکاران باید به شهرداری محل اجرای قرارداد پرداخت شود و از آنجا که تعرفه عوارض شهرداری کلیه صنوف را دربرمیدارد پیمانکار بعنوان یک شغل میبایست عوارض خود را پردازد که این عوارض براساس یک درصد مبلغ پیمان تصویب شده که در این خصوص وزارت کشور بعنوان تصویب کننده عوارض

پیمانکار را مسئول پرداخت عوارض دانسته است و درمورد معافیت واحدهای آموزشی از پرداخت عوارض این موضوع ارتباطی با پیمانکارانی که طرف قرارداد آموزش و پرورش میباشند ندارد زیرا پرداخت عوارض شهرداری برعهده پیمانکار بوده نه کارفرما تامشمول معافیت‌های قانونی باشد. بنابراین از حیث نقض قوانین و مقررات ایراد و اشکالی بررأی مورد اعتراض بنظر نمی رسد. با کیفیت مطروحه شکایت غیروارد تشخیص و حکم به رد آن صادر میگردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجة الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و باحضور رؤسای شعب بدوی ورؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت بصدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: نظربه تأیید و تصویب مراجع ذیصلاح درباب جواز وصول یک درصد عوارض از پیمانکاران و الزام آنان به پرداخت عوارض مذکور به شهرداریهای طرف قرارداد وعدم تسری معافیت واحدهای آموزشی از پرداخت عوارض مذکور به پیمانکاران، دادنامه شماره ۱۴۵۱ مورخ ۱۳۷۹/۸/۳ شعبه سوم بدوی دیوان درحدی که مبین این معنی است موافق اصول و موازین قانونی میباشد. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان وسایر مراجع ذیربط درموارد مشابه لازم الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - دری نجف آبادی

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکي: آقای گودرزی شهردار اسلامشهر

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۱۵ آئین نامه اجرایی موضوع ماده ۵۶ قانون نظام صنفی
مقدمه: شاکي طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، مفاد ماده ۵۶ قانون نظام صنفی
تصریح دارد که تنظیم امور اصناف در خارج از محدوده حفاظتی شهرداری شورای
شهرستان و بخش بعهدہ بخشداری مربوطه خواهد بود.

لیکن هیأت عالی نظارت بر قانون نظام صنفی با تسری مقررات موصوف به مناطق « خارج
از محدوده قانونی شهر » در ماده ۱۵ آئین نامه اجرایی مربوط به ماده قانونی مذکور که
مقرر داشته است « کلیه وظایف پیش بینی شده در قانون نظام صنفی مربوط به اتحادیه ها،
مجمع امور صنفی و شورای مرکزی اصناف در خارج از محدوده قانونی شهرها بعهدہ
بخشداری میباشد » مع الوصف نظرباینکه محدوده حفاظتی شهر مندرج در ماده ۵۶ قانون
نظام صنفی حسب مورد بموجب مقررات ماده ۹۹ قانون شهرداریها و یا مطابق مصوبه
طرح جامع شهری تعیین میگردد و این محدوده غیر از محدوده قانونی شهر است که بموجب
مقررات تبصره یک ماده ۴ قانون تقسیمات کشوری معین میشود و علی الوصول حریم
استحفاظی شهر بزرگتر و دربرگیرنده محدوده قانونی شهر است. لذا بدینوسیله تقاضای
ابطال ماده ۱۵ آئین نامه اجرایی موضوع ماده ۵۶ قانون نظام صنفی را دارد. مدیرکل امور
اصناف و بازرگانان و دبیر هیأت عالی نظارت در پاسخ به شکایت مذکور ضمن ارسال
تصویرنامه شماره ۶۶۹۰/۳۳۰۳ مورخ ۸/۸/۱۳۸۱ وزارت کشور اعلام نموده است،
در زمان تصویب آئین نامه مذکور معنی و مفهوم واژه محدوده حفاظتی شهرها و محدوده
قانونی شهرها یکسان منظور گردیده است بنابراین واژه محدوده حفاظتی شهرها که
در متن ماده ۵۶ قانون مزبور تصریح گردیده صحیح میباشد علیهذا محدوده حفاظتی
شهرها در مفاد ماده ۱۵ آئین نامه مذکور جایگزین واژه محدوده قانونی شهرها میگردد و
شکوائیه شهرداری اسلامشهر در این مورد فاقد موضوعیت میباشد. لذا خواهشمند است
نسبت به رد دادخواست شهرداری مزبور اقدام لازم معمول فرمایند. هیأت عمومی دیوان
عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجه الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و باحضور

رؤسای شعب بدوی ورؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت بصدور رأی مینماید.

رأی هیأت عمومی: بصراحت ماده ۵۶ قانون نظامی صنفی تنظیم امور اصناف و پیشه وران و نظارت بر مقررات صنفی منحصراً در خارج از محدوده حفاظتی شهرها مادام که شورای شهرستان یا بخش وجود ندارد بعهدہ بخشداری مربوط محول شده است. بنابراین مفاد ماده ۱۵ آئین نامه اجرایی ماده ۵۶ قانون نظام صنفی که وظایف مندرج در ماده ۵۶ قانون فوق الذکر را علی الاطلاق و در خارج از محدوده قانونی شهرها با عنایت به افتراق و تمایز آن با محدوده خارج از حوزه استحفاظی شهرها بعهدہ بخشداری محول نموده است، مغایر هدف و حکم مقنن تشخیص داده می شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال میگردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - دری نجف آبادی

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای قاسم حسن پور فرد

موضوع شکایت و خواسته: ابطال آئین نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض توسط شوراهای

اسلامی شهر، بخش و شهرک مصوب ۱۳۷۸/۷/۷ هیأت وزیران

مقدمه: شاکی بشرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، هیأت وزیران در جلسه مورخ

۱۳۷۸/۷/۷ با استناد به مواد ۹۴ و ۷۷ قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای

اسلامی کشور مصوب ۱۳۷۵ و بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون مذکور آئین نامه اجرایی نحوه وضع و

وصول عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر، بخش و شهرک را به تصویب رسانده که

آئین نامه مزبور بنا بجهت ذیل مغایر و مخالف قانون بوده که مستنداً به ماده ۲۵ قانون

دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال آن را دارد.

۱- بموجب بند ۱۶ ماده ۷۱ و ماده ۷۷ قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی

وضع هرگونه عوارض در صلاحیت شوراهای اسلامی شهر میباشد و تنها موضوع

پیش بینی شده در مواد مزبور رعایت سیاستهای عمومی دولت میباشد. بدین توضیح که

شوراها اختیار وضع هرگونه عوارض را دارند منتهی با رعایت سیاستهای عمومی دولت.

این در حالی است که در تبصره ماده ۲ آئین نامه وضع و وصول عوارض، اختیار وضع

عوارض بر تعدادی از منابع از جمله عوارض بردرآمدهای ناشی از معادن و منابع و طرحهای

ملی از شوراها سلب شده است که این امر معنی سلب اختیار وضع عوارض از شوراها

در حدود معنی عرفی و حقوقی رعایت در سیاستهای عمومی دولت که در قانون مذکور

گردیده است نمی گنجد و آئین نامه پارا فراتر از قانون نهاده و اختیار قانونی شورا در

وضع عوارض را سلب و تحدید نموده است.

۲- در ماده ۸ آئین نامه در رابطه با شکایات از عوارض مصوب شوراهای بخش و شهرک هیأتی

مرکب از نمایندگان وزارت کشور، وزیر دادگستری و شوراهای اسلامی پیش بینی شده

است این در حالی است که اولاً در قانون شوراها چنین هیأتی پیش بینی نگردیده است و

آئین نامه در این مورد خارج از حدود قانون تعیین تکلیف و وضع قاعده نموده است.

۳- در ماده ۱۰ آئین نامه اختیار لغو، کاهش، افزایش، اعطای تخفیف از عوارضی که موضوع ماده ۲ آئین نامه میباشد از شورا سلب گردیده است و این استثناء مغایر با اطلاق و اختیار پیش بینی شده در بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون شوراها می باشد.

۴- در تبصره ماده ۱۱ آئین نامه کمیته ای جهت ارائه راهکار در خصوص مرجع وضع، کاهش، افزایش و اعطای تخفیف و معافیت از عوارض موضوع تبصره، آئین نامه و مرجع حل اختلاف مربوط به آن پیش بینی شده است که این امر مغایر با اطلاق اختیارات شورا در بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون شوراها در وضع عوارض است بعلاوه تعیین مرجع حل اختلاف مربوط به عوارض در صلاحیت مقنن می باشد.

۵- ترتیب مذکور در ماده ۱۲ آئین نامه در ارسال مصوبات راجع به عوارض به استانداری و مهلت دو هفته ای استانداری در ارسال آن به وزارت کشور و اینکه وزارت کشور از تاریخ وصول ظرف یکماه مجاز به لغو آن میباشد بلحاظ افزایش مهلت دو هفته ای استانداری علاوه بر مهلت مقرر در قانون و ایجاد تکلیف ارسال مصوبه استانداری مغایر با ترتیب تبصره ذیل ماده ۷۷ قانون تشکیلات شوراها است.

همچنین لزوم درج و آگهی مصوبات راجع به عوارض در روزنامه ها که در این بند پیش بینی شده مخالف ترتیب مقرر در تبصره ذیل ماده ۷۷ قانون شوراهاست و ماده ۲ قانون مدنی نیز تنها در خصوص قوانین تعیین تکلیف نموده است.

۶- ماده ۱۳ آئین نامه که وضع یا افزایش عوارض مربوط به ادارات و وزارتخانه ها و شرکتها را از سال مالی بعد و یا حتی دومین سال مالی بعد قابل وصول دانسته است مغایر با تبصره ماده ۷۷ قانون شوراها مبنی بر امکان وصول عوارض یکماه پس از ارسال مصوبه به وزارت کشور میباشد.

۷- تبصره ماده ۱۴ آئین نامه که افزایش عوارض رازودتر از یکسال ممنوع اعلام نموده است خارج از حدود قانون و اختیار قوه مجریه در وضع آئین نامه و مغایر با اطلاق مواد قانونی راجع به اختیار شوراها در وضع عوارض میباشد. معاون دفتر امور حقوقی دولت در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۵۶۶۹۳ مورخ ۱۴/۷/۱۳۸۲ ضمن ارسال تصویرنامه شماره ۹۳۵۸/۳/۳۴ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۸ وزارت کشور اعلام داشته اند، نظرباینکه در بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراها ی اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ اختیار

شورای اسلامی شهر در تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن موکول به در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت شده است. به علاوه اختیار هریک از شوراهای شهر جنبه محلی داشته و محدود به قلمرو شهر مربوط می باشند و نمی تواند برای وضع عوارض برای مواردی که در دیگر شهرها محل مصرف دارد اقدام نماید، ازسوی دیگر مطابق ماده ۷۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی تصریح شده که عوارض شورای اسلامی شهر باید به تناسب تولیدات و درآمد اهالی باشد. بنابراین وضع و اخذ عوارض بر صادرات با توجه به بند ب ماده ۱۱۳ قانون برنامه سوم و نیز وضع عوارض بر تولیداتی که جنبه محلی ندارد برای عرضه در سایر نقاط کشور است مثل نفت، بنزین و نیز وضع عوارض به معادن و طرحهای ملی از حوزه اختیارات شوراهای شهر خروج موضوعی دارد ضمن آنکه اختیار شورا در وضع عوارض موضوع (بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون فوق الذکر) چنانکه ذکر شد مشروط به رعایت سیاستهای عمومی دولت بوده است لذا هیأت وزیران بعنوان مرجع تصویب آئین نامه های قانونی به ترتیبی که در ماده ۹۴ آن ذکر شده است و نیز بر اساس اصل ۱۳۴ قانون اساسی بعنوان مرجعی که خط مشی و سیاست دولت را تعیین می کند آئین نامه ماده ۷۱ را تصویب نموده است. بنابراین ایراد شاکی نسبت به مواد مختلف آئین نامه که نهایتاً به نکات فوق برگشت دارد وارد بنظر نمی رسد و رد آن را خواستار است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت بصدور رأی مینماید:

رأی هیأت عمومی: مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۲/۱۰/۱۳۸۱ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی را تصویب که در مورخ ۲۵/۱۰/۱۳۸۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده است و از ابتدای سال ۱۳۸۲ لازم الاجراء می باشد. با توجه به تصویب و لازم الاجرا شدن قانون مذکور و با عنایت به اینکه در این قانون نسبت به انواع تولید کالاها و خدمات و نیز کالاهای صادراتی و نیز فرآورده های نفتی و واردات تعیین تکلیف شده و بشرح ماده یک قانون یاد شده برقراری هرگونه وجوه از جمله مالیات و عوارض اعم از ملی و محلی

از تولیدکنندگان کالاها، ارائه دهندگان خدمات و همچنین کالاهای وارداتی صرفاً بموجب قانون یادشده مجاز می باشد و سایر قوانین لغو گردیده و در مواد ۲ و ۳ و ۴ انواع عوارض و سایر وجوه دریافتی از کالاهای وارداتی و یا تولیداتی و نیز ارائه خدمات بیان و تعریف شده است و مطابق ماده ۵ قانون مذکور نیز برقراری هرگونه عوارض و سایر وجوه برای انواع کالاهای وارداتی و کالاهای تولیدی و خدمات مذکور در ماده ۴ قانون مزبور، همچنین برقراری عوارض به درآمدها و مآخذ محاسبه مالیات سود سهام شرکتها، سود اوراق مشارکت، سود سپرده گذاری و سایر عملیات مالی اشخاص نزد بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی مجاز، توسط شوراهای اسلامی و سایر مراجع ممنوع اعلام شده است. البته در تبصره یک ماده ۵ قانون ترتیب خاصی برای وضع عوارض محلی جدید و یا افزایش نرخ هر یک از عوارض محلی داده شده که حداکثر تا ۱۵ بهمن ماه هر سال برای اجراء در سال بعد باید تصویب و اعلام عمومی گردد. نظر به عموم و اطلاق قانون فوق الاشعار و حکومت آن بر قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و فسخ قسمتهایی از قانون اخیرالذکر در نتیجه اختیارات شوراهای اسلامی صرفاً به تبصره یک ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم محدود میگردد با ملاحظه جهات یاد شده آئین نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر، بخش و شهرک مصوب ۱۳۷۸/۷/۷ هیأت وزیران در محدوده قانون مؤخر اعتبار دارد و وضع هر نوع عوارض توسط شوراهای اسلامی سراسر کشور خارج از محدوده تبصره یک ماده ۵ مذکور، خلاف قانون و خلاف اختیارات تشخیص و به همین جهت اولاً آن قسمت از آئین نامه که ترتیبات دیگری را برای قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه ... مقرر داشته خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات هیأت وزیران تشخیص و ابطال میگردد. ثانیاً تبصره ماده ۲ ذیل ماده ۸ که هیأتی را با ترکیب خاص مسئول رسیدگی به شکایات در مورد عوارض محلی مینماید و همچنین ماده ۱۰ و تبصره ماده ۱۱ و ماده ۱۲ و ۱۳ و تبصره ماده ۱۴ مستنداً به ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال میگردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - دری نجف آبادی

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: معاون امور سیاسی قضایی سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال آئین نامه های مورخ ۱۳۵۹/۷/۱، ۱۳۶۵/۱۱/۱۱ و ۱۳۷۲/۱۱/۹ و

۱۳۷۳/۶/۲۹ وزارت کشور و دستورالعملهای شماره ۱۴۳۶۱ مورخ ۱۳۶۸/۸/۱۱، ۱/۱۶۱

مورخ ۱۳۷۲/۴/۱ و ۱۰۰/۵۴۳۰ مورخ ۱۳۷۲/۴/۲۵ وزارت مسکن و شهرسازی

مقدمه: معاون امور سیاسی قضایی سازمان بازرسی کل کشور طی نامه شماره ۳/۷/۱۸۸۰۹

مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۰ اعلام داشته اند، به استناد قسمت اخیر ماده یک لایحه قانونی حفظ

و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹/۳/۳ که تصویب « ضوابط مربوط به

چگونگی اجرای این ماده » رابعمهده شورای شهر گذاشته است، وزیر کشور بعنوان

قائم مقام شورای اسلامی شهر، آئین نامه هایی را تصویب کرده است که در آنها ضوابط

ومعیارهای « تشخیص باغ » به تفصیل مقرر گردیده است. وزارت مسکن و شهرسازی نیز

به استناد ماده ۱۴ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲ که « تبدیل و تغییر کاربری،

افراز و تقسیم و تفکیک باغات » رابارعايت ضوابط ومقررات وزارت مسکن و شهرسازی

ومواد قانون زمین شهری بلااشکال دانسته است، مبادرت به صدور دستورالعملهایی

نموده است که « ضوابط تفکیک باغات » رامعین ساخته اند. باتوجه به اینکه ماده ۱۲

قانون زمین شهری، صلاحیت « تشخیص عمران واحیاء اراضی » واقع در محدوده شهری

رابه وزارت مسکن و شهرسازی محول نموده است و در لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای

سبز شهرها مصوب ۱۳۵۹، نهاد ویامرجع خاصی بعنوان دستگاه صالح برای « تشخیص

باغ » مورد اشاره واقع نگردیده است و همچنین با عنایت به اینکه « تشخیص عمران و

احیاء » بدون تردید شامل مورد « تشخیص باغ » نیز می گردد، اقدام وزراء وقت کشور

در تصویب آئین نامه های مورخ ۱۳۵۹/۷/۱ و ۱۳۶۵/۱۱/۱۱ و ۱۳۷۲/۱۱/۹ و

۱۳۷۳/۶/۲۹ فاقد مبنای قانونی و خارج از حیطه اختیارات آنها بوده است و بر همین اساس

جهت ابطال به دیوان عدالت اداری ارسال میشوند. در خصوص دستورالعملهای صادره

توسط وزارت مسکن و شهرسازی به استناد ماده ۱۴ قانون زمین شهری، با عنایت به

بند ۴ ماده ۲ و بند ۲ ماده ۴ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران که تصویب ضوابط و آئین نامه های شهرسازی رابه شورای مذکورواگذار کرده وهمچنین باتوجه به ماده ۳ قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی که اجرای قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران را جزء وظایف وزارت مسکن و شهرسازی دانسته است « تصویب معیارها وضابطه وآئین نامه های شهرسازی » منحصرأ درصلاحیت شورای عالی شهرسازی است وماده ۱۴ قانون زمین شهری ویاسایرمواد قانونی ، هیچگونه دلالتی برانتزاع این صلاحیت قانونی ازشورای یادشده وواگذاری آن به وزارت مسکن وشهرسازی ندارد ولذا دستورالعملهای شماره ۱۴۳۶۱ مورخ ۱۱/۸/۱۳۶۷ و ۱/۱۶۱ مورخ ۱/۴/۱۳۷۲ و ۱۰۰/۵۴۳۰ مورخ ۲۵/۴/۱۳۷۴ مصوب وزراء وقت مسکن وشهرسازی ، فاقد وجاهت قانونی وخارج ازحیطه صلاحیت وزارتخانه مذکور میباشد و بدین لحاظ این دستورالعملها نیز جهت ابطال به دیوان عدالت اداری ارسال میگردد . مدیرکل حقوقی وامورمجلس وزارت مسکن وشهرسازی درپاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۲۳۰/۲۸۷۴۷ مورخ ۱۵/۱۲/۱۳۷۸ اعلام داشته اند،

۱- دستورالعملهای اشاره شده درختم گزارش بازرسی کل کشور بادرنظرگرفتن اختیارات ماده ۱۴ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ صادرگردیده و اساساً بموجب مقررات ماده مرقوم تعیین مقررات وضوابط مربوط به تبدیل وتغییر کاربری ، افراز، تقسیم و تفکیک باغات وراضی کشاورزی بعهده وزارت مسکن وشهرسازی گذارده شده است .

لذا اولاً قانون زمین شهری مؤخر بقانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱ می باشد ثانیاً شورای عالی شهرسازی و معماری دارای شخصیت حقوقی مستقل از وزارت مسکن وشهرسازی بوده و یقیناً قانونگذار با علم به این موضوع وظایف فوق الذکر را به وزارت متبوع محول نموده است . فلذا اقدامات انجام شده وسیله وزارت متبوع منبعت ازاختیارات قانونی بوده است . مهتر آنکه دستورالعملهای ذکرشده درگزارش درموردی که مربوط به ماده ۱۴ قانون زمین شهری است به ترتیب و باصدور دستورالعملهای بعدی به خودی خود لغو شده و در حال حاضر تنها دستورالعمل شماره ۱۰۰/۱۳۶۳۰ مورخ ۱/۹/۱۳۷۴ (که درگزارش سازمان بازرسی کل کشور به آن اشاره نشده است) درزمینه نحوه تغییر کاربری ، تفکیک و افراز باغات و اراضی کشاورزی

معتبر می‌باشد و به این ترتیب دستورالعمل‌های مورد اشاره شاکی قبلاً لغو و دستورالعمل فوق‌الذکر جایگزین شده است. بنا بر مراتب مرقوم در فوق تقاضای مطروحه فاقد وجهت قانونی بوده و رد درخواست معنونه مورد استدعاست مدیرکل دفتر امور حقوقی وزارت کشور نیز در پاسخ به شکایت سازمان بازرسی کل کشور طی نامه شماره ۱۴۳۵۷/م مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۰ اعلام داشته اند، واضح است که مجریان قانون می‌توانند برای تعیین شیوه اجرایی هر قانون دستورالعمل و آئین نامه های لازم را تدوین و به تصویب مراجع مقرر در هر قانون برسانند. طبیعی است که این مقررات اجرایی با توجه به موضوع هر قانون تدوین شده و صرفاً در خصوص همان موضوع و همان قانون قابلیت اجرایی دارد و پذیرفتنی نیست مقرراتی که در خصوص موضوع زمین و مسکن و مستند به قانون زمین شهری در خصوص تعریف باغ تدوین شده را برای تعیین شیوه اجرایی لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز نافذ دانسته و اختیار تعیین و تدوین مقررات اجرایی لازم را برای لایحه قانون مذکور را که حسب لایحه مزبور به شورای اسلامی شهرها تفویض شده از آنها سلب نمائیم. دلیل این عدم پذیرش نیز این است که اصولاً از لحاظ تخصصی به هنگامی که بحث زمین و مسکن مطرح است باید الفاظ و اصطلاحات را با توجه به عرف حاکم در مورد زمین و مسکن تفسیر و تعبیر کرد و وقتی هم که بحث فضای سبز و حفظ و گسترش باغات مطرح است باید الفاظ و اصطلاحات را با توجه به عرف حاکم در مورد فضای سبز و چگونگی گسترش آن تفسیر و تعبیر نمود. بدیهی است که مثلاً در موضوع بحث ما تعریف باغ در بحث زمین و مسکن با تعریف آن در بحث فضای سبز و چگونگی گسترش آن تفاوت دارد. پس نمیتوان مقررات اجرایی قانون زمین شهری در مورد تعریف باغ را در خصوص تعریف باغ در لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها ساری و جاری دانست. استدلال و استناد سازمان بازرسی کل کشور به قانون زمین شهری برای ابطال آیین نامه های مورخ ۱۳۵۹/۷/۱ و ۱۳۶۵/۱۱/۱۱ در مورد ضوابط اجرایی ماده ۱ لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها فارغ از اشکال مذکور در بالا بدلیل تقدم تاریخی آئین نامه های مذکور بر تاریخ تصویب قانون زمین شهری وارد و قابل قبول نمی باشد. زیرا که در زمان تصویب مقررات مذکور قانون زمین شهری تصویب نشده بود تا به فرض موضوع مباحث و فقدان مبنای قانونی و خروج از حیطه اختیارات مصداق

داشته باشد . باتوجه به مجموع مطالب پیش گفته رد درخواست سازمان بازرسی کل کشور مبنی برابطال آئین نامه های مورخ ۱/۷/۱۳۵۹، ۱۱/۱۱/۱۳۶۵، ۹/۱۱/۱۳۷۲، ۲۹/۶/۱۳۷۳ مورد استدعاست . هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درتاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی وبا حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل وپس ازبحث و بررسی وانجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت بصدور رأی می نماید .

رأی هیأت عمومی: الف - مطابق نامه های شماره ۲۳۰/۲۸۷۴۷ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۵ و ۲۳۰/۸۴۱۱ مورخ ۱۳۸۰/۴/۲۶ مدیرکل حقوقی وزارت مسکن وشهرسازی ، دستورالعملهای شماره ۱۴۳۶۱ مورخ ۱۱/۸/۱۳۶۷ و ۱/۱۶۱ مورخ ۱/۴/۱۳۷۲ و ۱۰۰/۵۴۳۰ مورخ ۱۳۷۴/۴/۲۵ با صدور دستورالعمل شماره ۱۰۰/۱۳۶۳۰ مورخ ۱/۹/۱۳۷۴ لغو وکان لم یکن اعلام شده است .بنابراین با توجه به لغو دستورالعملهای مورد شکایت و اعتبار دستورالعمل اخیرالذکر موجبی برای رسیدگی و امان نظر دراین خصوص وجودندارد .

ب - حکم مقرر درماده یک لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز درشهرها مصوب ۱۳۵۹/۳/۳ متضمن لزوم حفظ وگسترش فضای سبز و جلوگیری ازقطع بی رویه درختان فارغ از محل غرس آنها وکسب اجازه ازشهرداری درصورت ضرورت قطع درخت و تهیه وتصویب ضوابط اجرایی امور مصرح درماده مذکور توسط شهرداری و شورای شهر است ومفید تفویض اختیار تعیین مرجع بدوی و تجدید نظر تشخیص باغ وصدور رأی قطعی و لازم الاجراء توسط مراجع مزبور نیست . مضافاً اینکه قانونگذار به صراحت ماده ۱۲ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲ تشخیص عمران و احیاء و تأسیسات متناسب و تعیین نوع زمین دایر وتمیز بایر ازموات را بعهدہ وزارت مسکن وشهرسازی قرارداده و رسیدگی به اعتراض نسبت به تشخیص مزبور را به دادگاه صلاحیتدار محول کرده ودرماده ۱۴ این قانون نیز اختیار تعیین ضوابط مربوط به تبدیل وتغییر کاربری ، افراز و تقسیم و تفکیک باغات و اراضی کشاورزی و یا آیش واقع در محدوده قانونی شهرها را به وزارت مسکن و شهرسازی واگذار نموده است بنا به مراتب فوق الذکر وضع قواعد آمره مبنی بر ایجاد کمیسیون بدوی جهت تشخیص باغ و مرجع تجدیدنظر به منظور رسیدگی به اعتراض اشخاص ذینفع به تصمیمات کمیسیون بدوی و نهایتاً صدور رأی

قطعی و لازم الاجراء به شرح مذکور در ماده ۷ و تبصره آن از ضوابط اجرایی لایحه قانونی فوق الاشعار مصوب ۱۳۶۵/۱۱/۱۱ و اصلاحات بعدی آن ضوابط به شرح مواد ۱۶ و ۱۵ مصوب ۱۳۷۲/۱۱/۹ و مواد ۱۴ و ۱۵ مصوب ۱۳۷۳/۶/۲۹ خارج از حدود اختیارات مقرر در ماده ۱ لایحه قانونی مذکور تشخیص داده می شود و مقررات مزبور مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - دری نجف آبادی

شماره هـ/۷۹/۲۰۸

۸۳/۳/۳۰

شماره دادنامه: ۸۳

تاریخ ۱۳۸۳/۳/۱۰

کلاس پرونده: ۲۰۸/۷۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای حسن گلکار

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۵۰۱۵۰/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۰ وزارت نیرو
مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، اینجانب مشترک شماره ۴۴۷۰۱۰۴ شرکت آب و فاضلاب استان یزد نظر به اینکه با عنایت به قبض مصرفی مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۱۱ الی ۱۳۷۹/۲/۱۳ که به مدت ۹۲ روز آب بهاء را ۵۰۳۷۳ ریال جهت مصرف ۱۱۴ مترمکعب از قرار هر مترمکعبی ۴۷۰ ریال و عوارض شهرداری را برای مدت مذکور ۱۷۱۰ ریال و طی قبض مصرفی مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۳ الی ۱۳۷۹/۵/۱۲ به مدت ۹۲ روز آب بهاء را ۲۱۴۵۸۰ ریال جهت مصرف ۱۵۷ مترمکعب از قرار هر مترمکعبی ۱۳۷۰ ریال و عوارض شهرداری را برای مدت مذکور ۶۶۶۳ ریال خواستار گردیده است به فاصله ۳ ماه قیمت آب از افزایش ۳۰۰ درصد و عوارض شهرداری هم از افزایش ۴۰۰ درصد برخوردار است و با مراجعه به سازمان آب مسئولیت موضوع را متوجه بخشنامه می نمایند، تقاضای رسیدگی به ابطال بخشنامه مربوطه را دارم.

۱- مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب استان یزد در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱/۱۱۲۸۲ مورخ ۱۳۷۹/۱/۲۱ اعلام داشته اند، با عنایت به بند (ط) تبصره ۴۴ قانون بودجه کل کشور در سال ۱۳۷۹ جهت تعیین نرخ آب بهاء در هر شهر در چهار چوب ضوابط شورای عالی اقتصادی کمیته ای متشکل از نمایندگان منتخب شورا در هر استان تشکیل تا براساس پیشنهاد شرکت آب و فاضلاب نرخ ها را به تصویب رسانده و توسط وزیر نیرو ابلاغ گردد. لیکن این امر به علت اولین سال اجرا با تأخیر زمانی روبرو بوده و لذا این شرکت جهت امکان استمرار خدمات تأمین و توزیع آب شهری قبوض آب بها را در دور دوم سال ۱۳۷۹ براساس پی نویسی وزیر نیرو به صورت علی الحساب به طور میانگین جهت هر مترمکعب آب ۴۰۰ ریال افزایش داده است که با توجه به عدم رعایت الگوی مصرف و حتی ۲ برابر الگوی مصرف (۲۲/۵ مترمکعب در هر ماه) شامل نرخ تصاعدی گردیده و قبض با ذکر علی الحساب بودن صادر گردیده است. شایان ذکر است در پایان دور دوم شورای اسلامی شهر یزد نرخ قطعی آب را اعلام، وزیر نیرو آن را

ابلاغ نموده که براساس آن عمل می گردد و در خصوص دور اول و دوم نیز بر همین مبنا با مشترک تسویه حساب می شود .

۲- مدیر کل دفتر حقوقی وزارت نیرو در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۴۷۹۱/۴۱۰ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۰ اعلام داشته اند ، براساس ضوابط و مقررات وقت به استناد بند (ج) ماده ۱۳۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (قبل از اصلاح) می بایست شورای اقتصاد چارچوب ضوابط و سقف تعرفه های آب بهاء حق انشعاب و هزینه دفع فاضلاب را مشخص و سپس تعرفه های مربوط به هر شهر را با پیشنهاد شرکت آب و فاضلاب توسط شورای اسلامی آن شهر تعیین و توسط وزارت نیرو جهت اجرا به شرکت مربوطه ابلاغ گردد. لذا شورای اقتصاد در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۰ چارچوب مربوطه را تصویب و طی نامه شماره ۳۴/۳۱۲ مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۶ به این وزارت ابلاغ نمود که براساس بند (ب) تصویب نامه مذکور افزایش قیمت خدمات آب و فاضلاب بیش از سقف های تعیین شده در مورد طرح های جدید آبرسانی به شهرها بیش از سقف های تعیین شده در مورد طرح های جدید آبرسانی به شهرها و مراکز صنعتی با پیشنهاد شورای اسلامی شهر و تأیید وزیر نیرو مجاز گردیده بنابراین براساس ماده قانونی فوق الذکر و ضوابط تعیین شده از سوی شورای اقتصاد با لحاظ نمودن هزینه های بهره برداری از طرح انتقال آب زاینده رود به یزد، شورای اسلامی شهر یزد در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۸ بهای ۶۵۰ ریال برای هر مترمکعب آب را تعیین و طی نامه شماره ۱۶۰۹ مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۹ به این وزارت خانه ابلاغ نموده و وزارت نیرو نیز ضمن تأیید این مبلغ به عنوان میانگین نرخ آب بهای مصرف کنندگان مختلف طی نامه شماره ۵۰۱۵۰/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۰ به شرکت آب و فاضلاب استان یزد اعلام نموده است که جدول نرخهای آب را برای طبقات مختلف براساس میانگین فوق الذکر تهیه و به اطلاع کلیه مشترکین رسانده و در جهت اصلاح صورت حساب های علی الحساب افراد اقدام نماید، حال ممکن است در یک نگاه اجمالی و مقایسه فیش های آب مشترکین محترم این تصور به وجود آید که افزایش قیمت آب بهاء برخلاف ماده (۵) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صورت گرفته است، لذا مزید استحضار اعلام می نماید در خصوص طرح هایی مشابه طرح انتقال آب زاینده رود به یزد که تا قبل از اجرای طرح چنین خدماتی ارائه نمی شده و بهای خدمت در زمان بهره برداری از طرح و برای اولین بار تعیین می گردد. از آن تاریخ به بعد افزایش قیمت می بایست در

چارچوب ماده قانونی فوق الذکر صورت گیرد. بنابراین مقایسه انجام شده توسط شاکی قیاس مع الفارق است کما اینکه شورای اقتصاد نیز با اعتقاد به این موضوع تعیین بهای خدمات مربوط به اینگونه طرح ها را بر عهده شورای اسلامی شهر مربوطه قرار داده است تا با بررسی کلیه جوانب امر اعم از هزینه های اجرای طرح و غیره نرخ مربوطه را تعیین نماید.

ضمناً براساس مصوبه شماره ۱۹۷/م/۳۴ مورخ ۱۳۷۶/۱۲/۲۶ شورای اقتصاد مبلغی تحت عنوان عوارض شهرداری به میزان ۳٪ کل آب بهاء از مصرف کنندگان اخذ گردیده است. علی ایحال با عنایت به موارد فوق ملاحظه می فرمایند که وزارت نیرو براساس ضوابط ابلاغی اقدام و هیچگونه تخطی نسبت به آنها نداشته است هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رای می نماید.

رای هیأت عمومی: طبق بند (ج) ماده ۱۳۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران «تعرفه های آب بهاء، حق انشعاب و هزینه دفع فاضلاب در چارچوب ضوابط و سقف مصوب شورای اقتصاد و با پیشنهاد شرکت آب و فاضلاب و تصویب شورای اسلامی شهر تعیین می گردد» نظر به اینکه تسری مصوبه شورای اسلامی شهر یزد در خصوص نرخ آب بهاء به تاریخ قبل از تصویب آن با عنایت به وحدت ملاک ماده ۴ قانون مدنی و حکم قانونگذار جواز قانونی ندارد. بخشنامه شماره ۵۰۱۵۰/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۰ وزارت نیرو به عنوان شرکت آب و فاضلاب یزد که متضمن اعمال مصوبه شورای اسلامی شهر از ابتدای سال ۱۳۷۹ است خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات مربوط تشخیص داده می شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - دری نجف آبادی

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: اتحادیه صنف فخاران شهرستان بوکان و حومه

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۱/۳/۳۴/۳۹۰۲ مورخ ۱۳۷۱/۳/۹ وزیر کشور
مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، بخشنامه و آیین نامه مفسر و مبین
زوایای مبهم و تاریک و مجمل قانونی بوده و امکان توسیع یا تضییق حدود و ثغور قانون
را نداشته و نمی تواند ایجاد قاعده نماید چنانکه مخالف با نظر مقنن و اهداف عالیه
قانونگذار باشد. ثانیاً وفق بند الف ماده ۴۳ قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت
و مصرف آن در مواد معین، اخذ یک درصد عوارض از قیمت نهایی فروش محصولات و
تولیدات کارخانجات و واحدهای صنعتی و معدنی و کارگاه های غیر مشمول قانون نظام
صنفی تجویز شده است لیکن در خصوص واحدهای مشمول قانون نظام صنفی قاعده و
مقرراتی از جانب مقنن وضع نشده است. ثالثاً، بخشنامه شماره ۱/۳/۳۴/۳۹۰۲ مورخ
۱۳۷۱/۳/۹ بدون وجود نص قانونی و مقرراتی در این خصوص، ایجاد تکلیف نموده و
اعلام نموده که یک درصد بهای فروش فخاری ها به نفع شهرداری ها به عنوان عوارض
اخذ می گردد. مغایرت این بخشنامه با قانون مذکور تاحدی است که در قانون اخیرالذکر
نه تنها اشاره به اخذ عوارض از واحدهای غیر مشمول قانون نظام صنفی شده بلکه اشاره
به اخذ عوارض تا حد یک درصد قیمت نهایی فروش محصولات و تولیدات واحدهای
موصوف شده است. اما در مانحن فیه نه تنها در بخشنامه مورد اعتراض اشاره به اخذ
عوارض از واحدهای مشمول شده است بلکه اعلام گشته که سقف عوارض ۱۰٪ از بهای
فروش محصولات خواهد بود. لهذا محرز می گردد که بخشنامه مورد بحث در یک اقدام
تقنینی که در صلاحیت خاص مجلس نمایندگان منتخب مردم است مبادرت به وضع قانون
و گام نهادن در فراتر از حدود اختیار مقام واضع نموده است. در حالی که توجیه قانونی
و حقوقی نخواهد داشت. مدیر کل دفتر امور حقوقی وزارت کشور در پاسخ به شکایت
مذکور طی نامه شماره ۲۴۰۴۴/۶۱ مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۹ اعلام داشته اند، الف ... با توجه به
بند ۱ ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری، مادام که درآمدهای پیش بینی
نشده کافی نباشد شورای شهر می تواند باتصویب وزارت کشور و تنفیذ ولی امر
عوارضی متناسب با امکانات اقتصادی محل و خدمات ارائه شده تعیین نماید. براساس

تبصره ماده ۵۳ قانون فوق الذکر نیز تاتشکیل شورای اسلامی درهر شهر وزیرکشور یا سرپرست وزارت کشور جانشین شورای اسلامی آن شهر درامور شهرداریها خواهد بود . براساس مقررہ مذکور وزیر کشور وقت به قائم مقامی شورای اسلامی شهرهای استان آذربایجان غربی درسال ۱۳۶۶ تعرفه عوارضی را طی نامه شماره ۱/۳/۳۴/۳۴۲۵ مورخ ۱۳۶۶/۳/۷ برای تنفیذ بمحضر نماینده ماذون ازقبیل ولی امر مسلمین تقدیم نموده است و حضرت آیت اله موسوی اردبیلی بنا به اذن صادره ازناحیه حضرت امام (ره) تعرفه مزبور را تنفیذ نمودند . ازجمله عوارضی که طی این تعرفه به تنفیذ نماینده ولی امر رسیده ۱۰درصد عوارض فخاری مذکور درردیف شماره ۳۸۰ است . ب . براساس بند الف ماده ۴۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت ومصرف آن درموارد معین تعرفه عوارضی را تنظیم و به تصویب رئیس جمهور وقت رساند که براساس آن کلیه کارخانجات و واحدهای صنعتی و معدنی و کارگاههای غیرمشمول نظام صنفی موظف به پرداخت ۱٪ قیمت نهایی فروش محصولات خود به شهرداریها بعنوان عوارض شدند ، پس از تصویب این عوارض این شبیهه پیش آمد که باتوجه بوضع عوارض موصوف آیا ۱۰درصد عوارض فخاریها به قوت خود باقی است یا خیر ؟ برای رفع شبیهه موضوع ازمراجع تصویب ۱٪ عوارض تولید کارخانجات یعنی ریاست جمهوری استعمال گردید که ایشان فرمودند عوارض فخاریها برهمان مبنای قبل یعنی ۱۰ درصد قابل وصول است . وزارت کشور برای رفع شبیهه پیش آمد این پاسخ را طی بخشنامه شماره ۱/۳/۳۴۹۰۲ مورخ ۱۳۷۱/۳/۹ به شهرداری ابلاغ نمود . نظر به اینکه ۱۰ درصد عوارض فخاریها بااستفاده از سازوکار قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری که مستقل از سازوکار مقرر درقانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن درموارد معین است ، مراحل استصوابی خود را طی نموده ولازم الاجرا است وباعنایت به این امر که بموجب پاسخ ریاست جمهوری وقت تعرفه ۱٪ عوارض تولیدات کارخانجات مشمول عوارض فخاریها نشده وعوارض فخاری کماکان برمبنای ۱۰درصد قبلی قابل وصول است وتوجهاً به این امر که وزیرکشور درصددور این بخشنامه صرفاً درمقام ابلاغ دستور مرجع قانونی برای رفع ابهام بوده و مطلب جدیدی را تصویب و ابلاغ نموده است . رد شکایت مورد تقاضاست . هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درتاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین رازینی وبا حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر

تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت بصدور رأی مینماید .

رأی هیأت عمومی : بشرح نظریه شماره ۸۰/۲۱/۲۸۶۸ مورخ ۱۳۸۰/۱/۲ فقهای محترم شورای نگهبان اخذ عوارض تولید از فخاریها به میزان ۱۰٪ در صورت داشتن آثار تورمی خلاف شرع شناخته شده و چون به تشخیص وزراء صنایع و بازرگانی عوارض مذکور واجد آثار تورمی بوده و مقام ریاست جمهوری نیز به ضرورت تسریع در کاهش آن تأکید کرده اند و هیأت عمومی دیوان بشرح دادنامه شماره ۳۷۶ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۸ به جهات فوق الذکر مستنداً به قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری بند ۳۸۰ مصوبه شماره ۱۸۳۵/۱۸۳۵/۱ مورخ ۱۳۶۶/۲/۹ وزارت کشور مبنی بر اخذ عوارض به میزان ۱۰٪ از فخاریها را ابطال کرده است. بنابراین بخشنامه شماره ۱۳۹۰۲/۳۴/۳ مورخ ۱۳۷۱/۳/۹ وزارت کشور مشعر بر لزوم اخذ عوارض فخاری اعم از کوره ها و کارخانجات فخاری به میزان ۱۰٪ نیز مشمول مدلول دادنامه فوق الذکر و نتیجتاً باطل و فاقد اعتبار است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - علی رازینی

شماره هـ/۸۱/۴۵۵

۱۳۸۳/۷/۱۱

شماره دادنامه: ۲۳۴

تاریخ ۱۳۸۳/۶/۲۲

کلاس پرونده: ۴۵۵/۸۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: شرکت زمزم خوزستان

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه شماره ۳/۳۴/۴۳۸۹ مورخ ۱۳۶۶/۳/۲۴ وزارت کشور
مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، شهرداری اهواز بر اساس مصوبه شماره ۳/۳۴/۴۳۹۸ مورخ ۱۳۶۶/۳/۲۴ این شرکت را محکوم به پرداخت مبلغ ۵۳۵/۴۲۳/۸۸۷ ریال بعنوان عوارض براساس ۵٪ نمود در حالی که این تصمیم بنا به جهات ذیل غیرقانونی و خلاف مقررات است. ۱- قانون اساسی دریافت هرگونه وجه از اشخاص را منوط به وجود قانون و مقررات خاص در این زمینه می داند. ۲- رعایت تشریفات مقرر در بند الف ماده ۴۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۶۹ یعنی تصویب ریاست جمهوری در این مصوبه دیده نمی شود. ۳- دیوان عدالت اداری در موارد مشابه وضع اینگونه عوارض توسط شهرداریها را غیرقانونی و خلاف مقرر دانسته است، با عنایت به مراتب تقاضا دارد مصوبه شماره ۳/۳۴/۴۳۸۹ مورخ ۱۳۶۶/۳/۲۴ وزارت کشور ابطال گردد. مدیر کل دفتر امور حقوقی وزارت کشور در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۴۳۷۲۶/۶۱ مورخ ۱۳۸۳/۵/۲۶ مبادرت به ارسال تصویر نامه شماره ۵/۱۷۴۸۰ مورخ ۱۳۸۲/۶/۱۲ شهردار اهواز نموده است. در این نامه آمده است: ۱- تعرفه تنفیذی عوارض شهرداری اهواز که عوارض ۵٪ نوشتابه نیز ذیل بند ۴ ردیف ۳۸۸ آن قید شده مراحل قانونی تنسیق و تصویب و تنفیذ خود را حسب مقررات مذکور در ماده ۳۵ قانون تشکیلات و دیگر ضوابط مربوط طی نموده است. ۲- اصولاً دادنامه شماره ۱۱۰ مورخ ۱۳۸۱/۲/۲۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که مستند شکایت شاکی قرار گرفته مفید تسری به تعرفه تنفیذی عوارض شهرداری اهواز نیست، زیرا الف - همانگونه که از فحوای حکم هیأت عمومی مستفاد است، ابطال بخشنامه شماره ۱۰۷۴۱/۱/۳/۳۴ مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۰ وزارت کشور مورد عمل در شهرداری تهران و مصوبه مورخ ۱۳۶۱/۱/۲۳ قائم مقام وزارت کشور مورد عمل در شهرداری تهران مورد خطاب حکم قرار گرفته است و هیچ ارتباطی نسبت به تعرفه عوارض شهرداری اهواز ندارد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام و المسلمین رازینی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و

مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید :

رأی هیأت عمومی : سیاق عبارات بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شورای اسلامی کشوری مصوب ۱۳۶۱ منحصراً مفید جواز اخذ عوارض از کالاهای تولیدی و خدمات ارائه شده از شهروندان قلمرو هر شهر در جهت رفع کمبود مالی شهرداری به منظور ارائه خدمات عمومی برای آن شهر است و ظهور در اخذ عوارض از شهروندان سایر نقاط برای مصرف آن در شهر معین و خاص ندارد. بنا به جهات فوق الذکر و عنایت به وسعت بازار مصرف داخلی و خارجی نوشابه غیرالکلی و اینکه افزایش عوارض آن محدود به قلمرو جغرافیایی شهر خاصی نیست و مورد متضمن تأمین هدف مقنن بشرح مقرر در بند یک ماده ۳۵ قانون فوق الذکر نمی باشد. بند ۴/۳۸۸ مصوبه شماره ۴۳۸۹/۳۴/۳ مورخ ۱۳۶۶/۳/۲۴ وزیر کشور که عوارض فروش نوشابه غیرالکلی را ۵٪ افزایش داده است مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - علی رازینی

کلاسه پرونده : ۴۳۹/۸۱

شماره دادنامه : ۵۸۷

تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۵

مرجع رسیدگی : هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی : آقای یعقوب تقی دائی زاده

موضوع شکایت و خواسته : ابطال بخشنامه های ۲۴۱۵۰/۳ مورخ ۱۳۶۹/۱۱/۳۰ و ۱۰۷۴۰/۱/۳/۳۴ مورخ ۱۳۷۱/۶/۴ وزارت کشور .

مقدمه : شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، ماده صد قانون شهرداری و تبصره های آن حکم بناهای مازاد بر تراکم یا تغییر نوع استفاده و یا سایر موارد را از لحاظ نحوه رسیدگی ، تعیین جریمه، میزان و نحوه وصول آن را معین کرده است و به صراحت تبصره های ماده مزبور بعد از اتخاذ تصمیم توسط کمیسیون موضوع تبصره یک آن ماده شهرداری مکلف به وصول جریمه براساس نظریه کمیسیون می باشد. لیکن وزارت کشور بدون وجود اختیارات قانونی اقدام به صدور بخشنامه های مورد شکایت نموده و در آنها قید گردیده که علاوه بر جریمه کمیسیون ماده صد دریافت عوارض متعلقه زیربنا و پذیره و اضافه تراکم و تغییر کاربری و . . . نسبت به بناهای خلافی نیز الزامی است، با توجه به اینکه بخشنامه های مذکور مخالف صریح ماده صد قانون شهرداری و تبصره های آن می باشد به نظر می رسد بخشنامه های فوق الذکر فاقد وجه قانونی و خارج از اختیارات قوه مجریه بوده لذا صدور حکم بر ابطال آنها مورد تقاضا است . مدیر کل دفتر امور حقوقی وزارت کشور در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۲۵۵۰۴/۶۱ مورخ ۱۳۸۳/۳/۲۳ اعلام داشته اند، صدور بخشنامه های مورد شکایت مستند به بند الف ماده ۴۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت است که به تایید ریاست جمهور نیز رسیده است. بنابراین مستند عوارض مذکور در بخشنامه های مورد شکایت ماده ۱۰۰ قانون شهرداری نیست . بدیهی است در صورت تعارض میان این دو قانون، بند الف ماده ۴۳ به عنوان قانون موخر لازم الاجراء است . ثانیاً ، کمیسیون ماده صد قانون شهرداری در مقام رسیدگی به تخلف ساختمانی مبادرت به صدور رای و اخذ جریمه می نماید که این امر با عوارضی که براساس موازین قانونی مربوط به خود وضع می گردد دو مقوله جداگانه بوده و هر یک در چهارچوب خود قابل اعمال است . هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و

مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت به صدور رای می نماید.

رای هیأت عمومی: نظر به اینکه جرائم مندرج در تبصره های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری در واقع و نفس الامر به منزله مجازات تخلفات ساختمانی مورد نظر مقنن بوده و انواع مختلف عوارض قانونی در حقیقت از نوع حقوق دیوانی ناشی از اعمال مجاز محسوب می شود . بنابراین بلحاظ تفاوت و تمایز وجوه عناوین مذکور در یکدیگر مصوبه مورد اعتراض از جهت اینکه مفید لزوم استیفاء عوارض قانونی مربوط است مغایرتی با قانون ندارند.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - علی رازینی

رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

علاوه بر اینکه مدت ممنوعیت شهرداری از صدور پروانه احداث ساختمان در اراضی غرب مسیل کن به شرح مصوبه مورخ ۱۱/۱۱/۱۳۶۷ کمیسیون ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران پایان یافته است، اساساً با عنایت به بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری موضوع تکلیف شهرداری به صدور پروانه ساختمان در مورد اراضی واقع در محدوده شهر و همچنین مقررات قانونی تعیین وضعیت املاک واقع در طرح های دولتی و شهرداری ها مصوب ۱۳۶۷ متضمن تأیید اصل تسلیط و اعمال حقوق مالکانه تأخیر در تهیه و تصویب نقشه تفصیلی نمی تواند موجب محرومیت اشخاص در اعمال حقوق مالکانه درمدتی طولانی یا نامحدود و رافع مسئولیت شهرداری در صدور پروانه احداث بنا و استفاده قانونی از حقوق مالکانه باشد. بنابراین دادنامه شماره ۱۱۴۶ مورخ ۲۹/۸/۱۳۷۵ شعبه ۱۶ بدوی دیوان که مبین این معنی است موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می شود این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱/۲/۱۳۷۸ برای شعب دیوان و سایر مراجع ذیربط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رأی شماره هـ/۷۹/۳۸۳-۱۱/۶/۱۳۸۰

روزنامه رسمی شماره ۱۶۴۷۶-۳۱/۶/۱۳۸۰

نظر مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه

سؤال :

در مواردی که مالکین ساختمان ها برخلاف مندرجات پروانه ساختمانی و یا گواهی پایان کار نحوه استفاده از ساختمان را تغییر داده و مثلاً به جای سکونت از آن به منظور اداری یا تجاری استفاده نمایند آیا شهرداری یا کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ها می تواند متخلف را جریمه نماید ؟

نظر مشورتی :

در مورد تغییر کاربری از مسکونی به تجاری مقررات بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری حاکم است و چنانچه مالک یا ذینفع برخلاف این مقررات اقدام به تغییر کاربری نماید، شهرداری مورد را در کمیسیون مقرر در تبصره یک ماده ۱۰۰ این قانون مطرح نموده و کمیسیون در صورت احراز تخلف مالک یا مستأجر با تعیین مهلت مناسب نسبت به تعطیل محل کسب یا پیشه یا تجارت اتخاذ تصمیم می نماید.

نظریه شماره ۷/۴۹۸-۳/۲/۱۳۸۱

روزنامه رسمی شماره ۱۶۶۶۰-۲۲/۲/۱۳۸۱